

ازدواج به شرط تغییر

گروه حوادث/ رفتارشان از همان زمانی که وارد دادگاه خانواده شدند، عجیب بود، گویی زن جوان تمایلی به ایستادن کنار مردی که ۶ ماه پیش باهم زندگی مستقلی را آغاز کرده بودند، ندارد. در دقایقی که منتظر رسیدگی به پرونده‌شان بودند ظاهر امر نشان می‌داد که مهران ۲۷ ساله تلاش می‌کند تا با نازنین همسر ۲۱ ساله‌اش به توافقی برسد اما با گفتن فقط چند کلمه نازنین از جایش بلند شد و از همسرش فاصله گرفت تا اینکه منشی دادگاه این زوج جوان را به داخل شعبه هدایت کرد.

نازنین و مهران وارد شعبه شدند و در ابتدا چند دقیقه‌ای سکوت کردند. انگار نمی‌دانستند چه بگویند که قاضی پرسید ماجرا چیست؟

نازنین گفت: سال آخر دانشگاه با مهران که همکلاسی‌ام بود، آشنا شدم. اوایل به عنوان یک همکلاسی با او حرف می‌زدم اما چند ماه بعد او به من پیشنهاد دوستی داد. با اینکه از تیپ و ظاهرش خوشم نمی‌آمد و خیلی خوب صحبت نمی‌کرد اما فکر کردم شاید به‌خاطر من تغییر کند. ارتباطات ما در کلاس باعث شده بود که تاحدی به او عادت کنم. به همین دلیل پیشنهادش را پذیرفتم. ۳ ماه گذشت و همه چیز خیلی خوب پیش می‌رفت و تقریباً مهران داشت مطابق میل من تغییر می‌کرد. حتی اگر راجع به موضوعی هم از او انتقاد می‌کردم می‌پذیرفت و می‌گفت چون دوستم دارم هر کاری برای رضایتی می‌کند. بعد از ۳ ماه به خواستگاری‌ام آمدم و با وجودی که پدرم بارها به من گفت که مهران فرد ایده‌آلی نیست و با فرهنگ خانواده‌مان ستخنی ندارد اما من به خاطر علاقه‌ای که به او پیدا کرده بودم در مقابل پدرم مقاومت کردم و در یک کلام گفتم که با مهران با هیچ‌کس!

قاضی گفت: تا اینجا که همه چیز خوب پیش رفته و شما هم ازدواج کردید. اما از تاریخ ازدواج‌تان ۶ ماه نگذشته. چرا پای شما باید به دادگاه باز شود؟ نازنین پاسخ داد: اتفاقاً جناب قاضی اشکال کار ما دقیقاً بعد از ازدواج‌مان نمایان شد. مهران روی دیگریش را به من نشان داد و گفت که نه می‌خواهد تغییر کند و نه قصد این کار را دارد.

در این میان مهران حرف‌های نازنین را قطع کرد و گفت: جناب قاضی من عروسک خیمه‌شب‌بازی نیستم که بخواهم مطابق میل او لباس بپوشم و آن‌طوری حرف بزنم که او دوست دارد و میهمانی‌هایی بروم که او می‌رود. من همین شخصی هستم که بودم. قرار نیست مثل خمیر بازی تغییر کنم. نازنین که برافروخته شده بود گفت: اگر نمی‌توانستی تغییر کنی چرا از روز اول نگفتی؟ چرا وقتی پیشنهاد ازدواج دادی و من شرایطم را گفتم پذیرفتی و گفתי هرطوری که تو بخواهی زندگی می‌کنم و هرچوری که تو دوست داشته باشی لباس می‌پوشم اما حالا که به مقصودت رسیده‌ای فراموش کرده‌ای که چه حرف‌هایی می‌زدی.

مهران گفت: شاید من آن موقع چنین حرف‌هایی می‌زدم اما حالا که فکر می‌کنم می‌بینم من شخصیت مستقلی دارم و نمی‌توانم ملعبه دست تو و یا خانواده و دوستانات قرار بگیرم. اگر بد لباس می‌پوشم و آن‌طوری حرف می‌زنم که تو و خانواده‌ات دوست ندارید مشکل شمامست. من این‌طوری بزرگ شدم و دیگر قابل تغییر نیستم.

قاضی رو به نازنین کرد و پرسید: شما که از ابتدا همسرتان را همین شکلی دیده بودید چرا وقتی با شکل و شمایل و حتی فرهنگ گفتاری و کرداری ایشان مشکلی داشتید روابط‌تان را ادامه دادید و گذاشتید که کار به ازدواج برسد؟

نازنین گفت: کاش به حرف پدرم گوش کرده بودم و فریب حرف‌هایش را نمی‌خوردم. جناب قاضی او از ابتدا با من صادق نبود. اگر از ابتدا این‌گونه رفتار می‌کرد هرگز با او ازدواج نمی‌کردم. حالا هم درخواست می‌کنم که حکم طلاق ما را صادر کنید تا همسرم آنطور که می‌خواهد زندگی کند و من هم از این وضعیت خلاص شوم. قاضی لحظه‌ای تأمل کرد و گفت: مشکل شما ممکن است از طریق مشاوره حل شود. دو ماه به جلسات مشاوره می‌روید و بعد اگر مشکل حل نشد شاید حکم طلاق را صادر کنیم.

■ **امیرحسین صفدری کارشناس حوزه خانواده**

متأسفانه این روزها زوج‌های جوان به شرط تغییر، ازدواج می‌کنند که این مساله خیلی زود منجر به مشکلات بزرگ و در نتیجه طلاق می‌شود. زوج‌های جوان و به‌خصوص این زوج باید طرف مقابل‌شان را همان‌طور که هست بپذیرند و به دنبال تغییر شخصیت واقعی و حقیقی یکدیگر نباشند. تغییر خوب است اما تغییر درست و معقول. در این پرونده می‌بینید که زوج به دنبال از بین بردن شخصیت واقعی زوج است که این یک کار کاملاً بیهوده و غیرممکن است.

سرقت هنگام ورزش صبحگاهی

گروه حوادث/ سارق خشن که با تهدید چاقو از زنان و مردانی که برای ورزش به پارک‌های تهران می‌رفتند سرقت می‌کرد از سوی پلیس دستگیر شد. سرهنگ کارآگاه «احمد نجفی»، معاون مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس آگاهی تهران بزرگ در تشریح این خبر گفت: پانزدهم آذر امسال کارآگاهان اداره یکم پلیس آگاهی تهران متهم به سرقتی را دستگیر کردند که مدعی بود بی‌گناه است و به اشتباه دستگیر شده است. اما حین تحقیقات پلیسی، پرونده‌هایی مبنی بر زورگیری از زنان و مردان در خیابان‌های خلوت و پارک‌ها به کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی رسید که در پایش اطلاعات به دست آمده، فرضیه یکی بودن متهم پرونده‌ها قوت گرفت.

معاون مبارزه با سرقت‌های خاص پلیس آگاهی تهران با اشاره به اینکه بیشتر مال‌باختگان زنان ورزشکاری بودند که حین پیاده‌روی و ورزش در پارک توسط سارقی با تهدید سلاح سرد اموالشان از قبیل تلفن همراه و طلا سرقت شده است، افزود: ۵ نفر از زنان ورزشکار، این سارق مسلح را شناسایی کردند و اظهار داشتند متهم پرونده‌شان مسلح بوده است. این مقام انتظامی با بیان اینکه متهم به ناچار در ادامه تحقیقات تکمیلی به جرم ارتکابی اعتراف کرد، اضافه کرد: متهم برای تحقیقات بیشتر و کشف سایر جرایم احتمالی در اختیار کارآگاهان اداره پنجم پلیس آگاهی تهران قرار دارد.

نجات ۱۸ دیناورد از آب‌های سیستان و بلوچستان

گروه حوادث: ۱۸ سرنشین یک لنج صیادی که در آب‌های سیستان و بلوچستان گرفتار شده بودند پس از عملیات ۲ ساعته مرکز جست‌وجو و نجات دریایی بندر چابهار به اسکله کنارک هدایت شدند. سیدحسن ابراهیمی، معاون بنادر و دریانوردی سیستان و بلوچستان در این باره به مهر گفت: صاحب موتور لنج صیادی در ساعت ۲۲ و ۳۰ دقیقه پنجشنبه به مرکز جست‌وجو و نجات دریایی بندر چابهار از طریق خط تلفنی ۲۴ ساعته ۱۵۵۰ تماس گرفت و اظهار داشت یک لنج صیادی با ۱۸ نفر سرنشین از اسکله خارج از نزدیکی صخره‌های پوزه «کنارک-پزم» دچار نقص فنی در موتور شده است. بلافاصله مرکز (MRCC) بندر چابهار با آمادگی کامل و اعزام شناور ناجی و یدک‌کش در موقعیت حاضر و با تلاش پرسنل ناجی و یدک‌کش موفق به نجات سرنشینان از محدوده خطر و عملیاتی شدن موتور لنج شدند. وی افزود: طی دو ساعت عملیات شبانه در وضعیت بد جوی این موتورلنج به کمک یدک‌کش از منطقه خطر خارج و پس از رفع مشکل نقص فنی، موتور لنج و سرنشینان آن به اسکله کنارک هدایت شدند.

اجیر کردن سارق برای دزدی از خانه عمه

گروه حوادث/ زن میانسال که برای عمل جراحی پسرش نیاز به ۳۰۰ میلیون تومان داشت دوسارق اجیر کرد تا از خانه عمه عروشی سرقت کنند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۳۰ دقیقه سه‌شنبه ۱۶ دی، زن میانسالی سراسیمه با پلیس تماس گرفت و از سرقت خانه ویلایی‌اش خبر داد. این زن ۶۵ ساله گفت: امروز صبح بعد از رفتن همسرم به محل کار در خانه تنها بودم. دقایقی بعد زنگ خانه به صدا درآمد. دو مرد با لباس مأمور آب پشت در بودند که گفتند در را باز کنم تا کنتور آب را ببینند. من هم در را باز کردم بعد از اینکه وارد حیاط شدند آنها از من خواستند آخرین قبض آب را برایشان ببرم. من هم به تصور اینکه واقعاً مأمور هستند در حال گشتن دنبال قبض آب بودم که دو مرد ناشناس ناگهان وارد خانه شدند وقتی آنها را پشت سرم دیدم، اعتراض کردم که چرا وارد شده‌اند اما تازه فهمیدم آنها مأمور نیستند و از ترس شروع به فریاد زدن کردم آنها وقتی با سرو صدای من روبه رو شدند پا به فرار گذاشتند. اما من با چارو دنبال شان کردم و تا می‌توانستم کمک شان زدم با سر و صدای من، همسایه‌ها نیز به کوچه ریختند و موفق

هرچقدر در زدیم کسی در را باز نکرد. با کمک برادرم قفل در را باز کردیم کرده بود پس از دستگیری و محاکمه به حبس محکوم شد. این در حالی است که حکم قصاص قاتل نیز تأیید شده است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، رسیدگی به این پرونده از سال ۹۷ با گزارش قتل دختری جوان به نام ترانه آغاز شد. خواهر مقتول به پلیس گفت: خواهرم قربانی یک سرقت شده است. پس از آن مأموران بلافاصله به محل اعزام شدند و با بازبینی اولیه جسد متوجه شدند که او بر اثر خفگی جان باخته است. به این ترتیب جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و تحقیقات برای شناسایی عامل قتل آغاز شد. در ادامه پزشکی قانونی اعلام کرد که در خون مقتول مواد مخدر وجود داشته است. همین موضوع و اینکه بررسی صحت جنایت نشان می‌داد قاتل با زور وارد خانه نشده، سبب شد تا مأموران به وقوع یک جنایت خانوادگی مشکوک شوند.

پس از آن خواهر مقتول به نام تارا مورد بازجویی قرار گرفت و گفت: من و خواهرم با هم زندگی می‌کردیم من برای کاری از خانه بیرون رفتم موقع برگشتن با برادرم تماس گرفتم که او هم به خانه ما بیاید. وقتی به خانه رسیدیم

گروه حوادث/ دختر جوان که برای قتل خواهرمعتادش مردی را اجیر کرده بود پس از دستگیری و محاکمه به حبس محکوم شد. این در حالی است که حکم قصاص قاتل نیز تأیید شده است.

به گزارش همیشه با هم درگیری و اختلاف داشته‌اند بنابراین مأموران به تارا ظنین شدند و وی را به عنوان متهم به قتل بازداشت کردند و در مراحل بعدی بازجویی وی راز قتل خواهرش را فاش کرد و گفت: ترانه به مواد مخدر اعتیاد داشت. او من را وادار می‌کرد برایش مواد بخرم و این‌کار برایم بسیار آزاردهنده بود. پدر و مادرم قوت کرده بودند و برادرم هر زندگی مستقلی داشت. من از این وضعیت خسته شده بودم و تصمیم گرفتم او را برای همیشه از بین ببرم. به جونی به نام بهرام که ترانه از او مواد می‌گرفت و همسایه‌مان بود، پیشنهاد دادم تا درازای دریافت مبلغی خواهرم را بکشد و او هم پذیرفت. بعد من از خانه خارج شدم و طبق نقشه با برادرم تماس گرفتم تا تنها به خانه نرسد که من دخالتی در موضوع قتل خواهرم داشتم.

پس از اعترافات تارا، بهرام شناسایی و بازداشت شد و در همان ابتدا اتهام قتل را پذیرفت و پرونده پس از تکمیل، برای رسیدگی به

دستگیری ۴ قاتل در یک روز

گروه حوادث: کارآگاهان جنایی استان سیستان و بلوچستان در یک روز ۴ قاتل را که در دو پرونده جداگانه مرتکب ۳ قتل شده بودند، دستگیر کردند.

■ **قتل پدر به دست پسر**

در نخستین پرونده پسر جوانی که پس از قتل پدرش و دوست‌اش به افغانستان فرار کرده بود با تلاش کارآگاهان پلیس آگاهی استان سیستان و بلوچستان دستگیر شد. سردار احمد طاهری، فرمانده انتظامی سیستان و بلوچستان در تشریح این خبر گفت: حدود ۵ ماه قبل یعنی در تاریخ ۲۸ تیر امسال وقوع دو فقره قتل در خانه‌ای واقع در یکی از محله‌های زابل به پلیس اعلام شد. کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی با حضور ضربتی و انجام تحقیقات



شعبه ۷ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد.

در جلسه رسیدگی برادر مقتول و تارا که خودش به اتهام معاونت در قتل در حال محاکمه بود، برای متهم درخواست قصاص کردند. در ادامه بهرام به جایگاه رفت و گفت: من اتهام قتل را قبول دارم اما این قتل به دستور تارا خواهر مقتول بود. من هم به‌خاطر اعتیاد به پول نیاز داشتم که وقتی تارا پیشنهاد ۵۳ میلیون تومانی را برای قتل خواهرش مطرح کرد وسوسه شدم و پذیرفتم.

وی درباره شب حادثه هم گفت: طبق قرار تارا در را باز گذاشت تا من بتوانم وارد خانه شوم. وقتی وارد شدم ترانه من را دید و فکر کرد که برایش مواد آورده‌ام اما وقتی طناب را دستم دید ترسید و داد و فریاد راه انداخت و در نهایت او را گرفتم و خفه کردم. هنوز از خانه خارج نشده بودم که تارا با برادرش رسیدند و او بدون اینکه برادرش متوجه شود من را از خانه بیرون کرد و گویی خواهرش را هم به من داد تا پس از حضور مأموران اینطور به

فرار دستگیر شد.

متهم در تحقیقات صورت گرفته اعتراف کرد که روز حادثه به‌دلیل اعتیاد پدرش با وی درگیر و مرتکب این دو فقره قتل شده است. متهم با تشکیل پرونده برای سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شد.

■ **دستگیری قاتلان پسر زاهدانی**

سردار طاهری همچنین از دستگیری عاملان قتل یک پسر ۲۰ ساله پس از ۱۱ ماه خبر داد و گفت: در تاریخ ۲۸ بهمن سال ۹۸ در پی قتل مسلحانه جوانی ۲۰ ساله در یکی از محلات شهر زاهدان یکی از محلات حومه شهر زاهدان موضوع در دستور کار پلیس آگاهی استان قرار گرفت. کارآگاهان اداره مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی با تحقیقات گسترده تخصصی خود عاملان این جنایت را که سه نفر از دوستان این جوان بودند و به‌دلیل

بودم تا اینکه چند روز قبل در صفحه اینستاگرامم برایم پیغام فرستاد و سفارش کالا داد و من هم لباس‌هایی که می‌خواست را برای او ارسال کردم. بعد هم فرنگیس از من خواست به تهران بیایم تا حضوری سفارش‌هایش را بدهد. من هم به همراه شهرام راهی تهران شدم تا هم با فرنگیس قرارداد ببندم و هم سفارش‌های دیگرم را بگیرم.

■ **جراحی ۳۰۰ میلیونی**

پسر فروشنده ادامه داد: وقتی فرنگیس را دیدم متوجه شدم او مرا به تهران کشانده تا نقشه سرقتی که در سر داشت برایش اجرا کنیم. می‌گفت برای درمان دست پسرش ۳۰۰ میلیون تومان می‌خواهد و تنهارا رسیدن به این پول فروش طلاها و دلارهای خانه عمه عروس شان است.

روز حادثه موقعیت خانه شاکي را از طریق تلگرام برایمان فرستاد. نه سلاح داشتیم و نه چاقو، فقط می‌خواستیم با تهدید زن میانسال او را بترسانیم و طلاها و دلارهایش را سرقت کنیم. اما به جای اینکه او را کمک

بزنیم و نقشه سرقتمان را اجرا کنیم او ما را کمک زد.

اظهارات میثم باعث شد تا مأموران راهی خانه فرنگیس شده و او را بازداشت کنند. اما او منکر ادعای دو پسر جوان شد و گفت: من به آنها دستوری برای سرقت

ندادم.

به دستور بازپرس قریب احمدزاده از شعبه سوم دادسرای ویژه سرقت، متهمان در اختیار اداره آگاهی قرار گرفتند و تحقیقات در این رابطه ادامه دارد.

حمله مرگبار

به ۲ مردناتوا

گروه حوادث/ مرد ناتوا که همراه برادر زاده‌اش کنار خیابان ایستاده بود تا سوار تاکسی اینترنتی شوند از سوی دو موتورسوار ناشناس مورد حمله قرار گرفت و به قتل رسید.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۹ شب ۱۲ دی صدای فریاد دو مرد در یکی از خیابان‌های نواب، اهالی محل را به خیابان کشاند. ساکنان با حضور در خیابان با بدن زخمی دو مرد در حالی مواجه شدند که در چند قدمی آنها دو موتورسوار با کلاه ایمنی به سر ایستاده و به این صحنه نگاه می‌کردند. اما به محض جمع شدن مردم آنها پا به فرار گذاشتند.

گزارش مجروح شدن دو مرد جوان با چاقو بلافاصله به اورژانس و پلیس اعلام شد و دو مرد جوان به بیمارستان منتقل شدند. اما شدت جراحات باعث شد تا یکی از مصدومان تسلیم مرگ شود.

مرگ مرد جوان به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام شد. به دستور بازپرس محمد جواد شفیعی تحقیقات برای رازگشایی این پرونده و شناسایی موتورسواران ادامه یافت.

در ادامه بررسی‌ها مرد جوان در تحقیقات گفت: من و عمویم، در یک نانواپی در کرج کار می‌کنیم. شب حادثه برای دیدن یکی از دوستانمان به تهران آمدم و به خانه یکی از اقوام رفتیم شام که خوردیم تاکسی اینترنتی گرفتیم تا به کرج برگردیم در خیابان منتظر رسیدن تاکسی بودیم که ناگهان دو مرد موتورسوار با چاقو از پشت به ما حمله کرده و مجروح شدم.

دوربین‌های مدار بسته نیز به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای امور جنایی تهران مورد بازبینی قرار گرفت اما متهمان فراری شماره پلاک موتورسیکلت‌شان را پوشانده بودند.

در ادامه بررسی‌ها دو فرضیه از سوی تیم جنایی مطرح شد. نخستین فرضیه این بود که موتورسواران فراری قصد سرقت از دو مرد ناتوا را داشته‌اند. دومین فرضیه نیز انتقام‌گیری از مقتول و برادر زاده‌اش است. تحقیقات برای دستگیری متهمان فراری و مشخص شدن انگیزه آنها ادامه دارد.

مرگ یک خانواده

بر اثر گاز گرفتگی

گروه حوادث: چهار عضو یک خانواده که در مجتمع مسکونی اکباتان در اووان زندگی می‌کردند بر اثر گاز گرفتگی جان باختند.

یوسف منطقی، رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اسلامشهر با اعلام این خبر گفت: ساعت ۱۳:۳۰ چهارشنبه ۱۷ دی حادثه گاز گرفتگی در خانه‌ای واقع در مجتمع اکباتان شهرستان اووان به این سازمان گزارش شد که بلافاصله آتش‌نشنان به محل حادثه اعزام شدند اما به محض ورود با پیکر بی‌جان اعضای این خانواده با هویت جبرائیل جعفری ۶۲ ساله، زهرا صفعلی ۵۸ ساله، امیر جعفری ۲۹ ساله، مرزویه جعفری ۳۳ مواجه شدند.

رئیس سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری افزود: طبق بررسی به‌عمل آمده در محل و اعلام تیم عملیاتی علت حادثه نبود لوله کشی اصولی و نشت گاز co بود که تاجین علت تامة توسط کارشناسان واحد بررسی علل حریق و حوادث سازمان در دست بررسی است.